

مجله پژوهش‌های اسلامی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۶

نگاهی به جایگاه سلیم بن قیس در کتابهای حدیثی و رجالی*

دکتر نهله غروی نائینی
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

کتاب سلیم بن قیس الهمالی در منابع حدیثی به عنوان یکی از اصول معرفی شده است. بیشتر محدثان و رجالیان به این کتاب اعتماد و از آن حدیث نقل کرده‌اند. کتب رجالی نیز از متقدمان تا معاصران نام سلیم بن قیس را در کتابشان ذکر، و شرح حالی از او ارائه کرده‌اند. نظر مشهور این است که سلیم بن قیس هلالی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام بوده است. این مقاله با توجه به نظریات متفاوتی که درباره سلیم و کتاب او موجود است به بررسی حضور وی در کتابهای رجالی پرداخته است تا با کمک روایات منابع حدیثی و اعتماد یا عدم اعتماد دانشمندان رجال به او، تثبیت یا عدم تثبیت موجودیت او را بیان کند.

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۳/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۶/۷/۱۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده: naeeni_n@yahoo.com

واژگان کلیدی

سلیم بن قیس هلالی، حدیث، رجال، صحابی.

۱ - مقدمه

درباره سلیم بن قیس و کتاب او مقالاتی به چاپ رسیده است. برخی وجود سلیم و اعتبار کتاب وی را تأیید و برخی تکذیب کرده‌اند؛ به عنوان نمونه در سال ۱۳۸۲ مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی درباره سلیم بن قیس هلالی» در فصلنامه مطالعات اسلامی (دانشگاه فردوسی) شماره ۶۰ به چاپ رسید که نویسنده محترم با تحقیق گسترده‌ای، که با استناد به کتابهای تاریخی و گزارشهای وقایع انجام داده بود به این نتیجه رسیده بود که وجود شخصی به نام سلیم بن قیس در تاریخ اسلام محل تأمل و تردید است (مطالعات اسلامی، ص ۸۹).

البته با وجود نقلها و روایات گزارش گونه‌ای که در کتاب «سلیم بن قیس» موجود است، چنین برداشت می‌شود که نام سلیم باید در وقایع آمده باشد؛ زیرا در برخی از این نقلها در کتاب سلیم، گفتار به گونه‌ای است که انتظار می‌رود، راوی گاه طبق گفته خود در صحنه - مثلاً در جنگها - حضور داشته باشد. بنابراین، مورخان و کاتبان وقایع مهم می‌بایست نام او را در زمره حاضران در معرکه ثبت می‌کردند؛ لکن نام سلیم در بسیاری از منابع تاریخی یافت نمی‌شود.

آشنایی با نام سلیم از کتابهای حدیثی آغاز می‌شود و برای اطلاع بیشتر با شرح حال او اصولاً به کتابهای رجال و سیره مراجعه می‌کنند. البته نویسنده محترم مقاله «پژوهشی درباره سلیم بن قیس هلالی» هم، چنین کاری را انجام داده است، لکن نه به عنوان بهره بردن، بلکه صرفاً به عنوان یک گزارش؛ زیرا ایشان وجود سلیم را بیشتر در کتابهای تاریخی و کتبی که در معرفی اصحاب پیامبر(ص) نوشته شده، پی گرفته است. اگر بخواهیم همین روش را برای شناسایی اصحاب ائمه و راویان ایشان در پیش بگیریم، خواهیم دید که در موجودیت بسیاری از آنها تردید حاصل می‌شود؛ زیرا بسیاری از کتابهای تاریخی نام بیشتر اصحاب یا راویان ائمه‌علیهم‌السلام را ندارند؛ مثلاً کتاب «تاریخ المدینة المنورة از عمر بن شیبہ نمیری» به دلایلی نام ابودحداح و سلمان،

دو صحابی پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم را ندارد یا کتاب «الامامة و السياسة، ابن قتیبه دینوری» ذکری از میثم تمار، صحابی امیرالمؤمنین (ع) و محمد بن مسلم، صحابی امام صادق (ع) ندارد.

اگر نام سلیم را در زمره نام شرکت کنندگان در جنگی نمی‌بینیم، تنها دلیل عدم وجود خارجی او نیست؛ زیرا ممکن است که در دوران آن جنگ عذری داشته که در معرکه نبوده و یا به دلیلی نامش ذکر نشده، شاید مسؤلیت از جانب امام (ع) به گونه‌ای بوده است که نمی‌بایست حضورش چشمگیر باشد و بسا عهده‌دار ثبت وقایع بوده باشد. اینها احتمالاتی است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

چنانچه کتاب «کشف الغمة فی معرفة الائمة»، که هدف مؤلف آن شناخت ائمه است، روایتی از سلیم بن قیس نقل کرده است، آیا باید به گزارش حال و موجودیت سلیم پردازد یا نقل او که در ضمن آن سه بار نام سلیم را برده (فصلنامه مطالعات اسلامی، ص ۱۰۷)، نشانه اعتماد اربلی - نویسنده کتاب - به گفته سلیم است؟ همچنین کتابهای شرح حال اصحاب رسول الله همچون طبقات الکبری، الاستیعاب، اسدالغابه... که حاوی شرح حال اصحاب پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم هستند، دلیلی ندارد که نام او را ذکر کرده باشند؛ زیرا سلیم بن قیس صحابی رسول الله صلی الله وعلیه وآله وسلم نبوده است.

درباره پیشینه پژوهش در مورد سلیم بن قیس، نویسنده محترم معتقد است: تاکنون درباره سلیم، پژوهش علمی مستقل انجام نشده است (فصلنامه مطالعات اسلامی، ص ۹۲) در حالی که مقدمه و مباحث کتاب «سلیم بن قیس» تحقیق شیخ محمد باقر انصاری زنجانی، که در سه مجلد در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است، آقای زنجانی خود می‌نویسد: ۱۲ سال به این کتاب مشغول بوده است؛ گویای پژوهش علمی مستقل ایشان است.

چگونگی نگارش محقق محترم هم در نتایج تحقیقش نشان می‌دهد که منابع تاریخی بیش از سایر منابع مورد استناد بوده است. در جمع بندی نهایی، نویسنده محترم - علی رغم وجود نام سلیم و نتایج: ۱ - تحقیق و جستجو در کتابها، مآخذ و منابع موجود تاریخی، رجالی، قرآنی، حدیثی، سیره، و... نشان داد که هیچ گونه

اطلاع، گزارش و یا خبری درباره سلیم بن قیس وجود ندارد (فصلنامه مطالعات اسلامی، ص ۱۲۱).

روایاتی از او در کتابهای معتبر حدیثی همچون الکافی و التهذیب اعلام می‌کند: "سلیم بن قیس هلالی، نامی بی‌مسمّا، ساختگی و موهوم است و هیچ‌زمان، شخصی با این نام و نشان در تاریخ وجود خارجی نداشته است و احتمالاً فرد یا افرادی این نام را جعل کرده و کتابی را به او نسبت داده و بر سر زبانها انداخته‌اند" (فصلنامه مطالعات اسلامی، ص ۱۲۲).

این نوشتار قصد ندارد که نظریات و قضاوت‌های مقاله یاد شده را نقد کند، بلکه می‌کوشد با توجه به سندهای موجود در منابع حدیثی و شرح‌های کتابهای رجالی معتبر، جایگاه سلیم را مشخص نماید. چون روش مقاله فوق بر ارائه نظریات تک‌به‌تک اهل علم درباره سلیم بود در این مقاله هم به همان روش ارائه تک‌به‌تک نظریات با رعایت تقدم علما عمل شده است.

۲- معرفی سلیم در کتابهای رجالی

کتابهای رجالی شیعی نام سلیم بن قیس را ذکر کرده‌اند و گزارش یا گزارشهایی را درباره‌اش، که بیشتر حاکی از مدح اوست، بدین ترتیب ارائه کرده‌اند:

۱. برقی (متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰) او را از اولیای اصحاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام به شمار آورده است (برقی، ص ۷). نیز سلیم را در زمرة اصحاب ابی محمد، حسن بن علی علیه‌السلام و ابو عبدالله، حسین بن علی علیه‌السلام - با کنیه ابو صادق - ذکر کرده و او را در زمرة اصحاب سجاد علیه‌السلام از اصحاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام برشمرده است (برقی، ص ۹) در حالی که نام او را فقط با کنیه‌اش ذکر کرده و هنگامی که جزء اصحاب امام باقر گفته به صورت ابو صادق سلیم بن قیس الهلالی من اصحاب امیرالمؤمنین، آورده است (برقی، ص ۹).

۲. کشی (هم عصر کلینی متوفای ۳۲۹) نام او را ذکر کرده و گفته است: حدیثی محمد بن الحسن البرائی قال: حدثنا الحسن بن علی بن کیسان عن اسحاق بن

ابراهیم بن عمر الیمانی عن ابن اذینة عن ابان بن ابي عیاش قال: هذا نسخة كتاب سليم بن قيس العامري ثم الهلالي دفعه الى ابان بن ابي عیاش و قرأه و زعم ابان انه قرأه علی بن الحسن علیهما السلام. قال: صدق سليم رحمه الله علیه هذا حدیث نعرفه. پس از این بیان با همان سند از سلیم بن قیس الهلالی نقل می‌کند که به امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفتم که از سلمان و مقداد و ابوذر مطالبی در تفسیر قرآن و روایت پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم می‌شنوم که شما آنها را تصدیق می‌کنید و در دست مردم تفاسیر و روایات زیادی می‌بینم که شما مخالف آنها هستید... (حدیثی طولانی).

ابان گفت: پس از رحلت علی بن الحسین به حج رفتم و ابو جعفر محمد بن علی علیه‌السلام را ملاقات کردم. همه حدیث را بر ایشان گفتم بدون هیچ خطایی، ایشان تأیید کرد و گریه کرد. سپس فرمود: «صدق سليم قد أتى أبا عبد قتل جدي الحسين عليه السلام و انا قاعد عنده فحدثه بهذا الحديث بعينه، فقال له ابي صدقت قد حدثني أبا و عمی الحسن علیه‌السلام بهذا الحديث، عن امیرالمؤمنین علیه‌السلام فقالا لك: صدقت قد حدثك بذلك و نحن شهود، ثم حدثاه انهما سمعا ذلك من رسول الله، ثم ذكر الحديث بتمامه» (کشی ج ۱، ص ۳۲۱).

۳. نعمانی (قرن چهارم) می‌نویسد: در میان همه علمای شیعه و آنان که راویان حدیث از امامان علیهم‌السلام بوده‌اند، هیچ اختلافی نیست در اینکه کتاب سلیم بن قیس هلالی یکی از بزرگترین اصولی است که اهل علم از حاملان حدیث اهل بیت روایت کرده‌اند و از قدیمی‌ترین اصول است؛ زیرا همه آنچه در این اصل است از پیغمبر (ص) و امیرالمؤمنین علیه‌السلام و مقداد و سلمان و ابوذر و مانند اینان از افرادی که رسول خدا صلی الله و علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را دیده‌اند و از آن دو بزرگوار حدیث شنیده‌اند. تعداد ائمه را تکرار می‌کند و اینکه ائمه از فرزندان حسین علیه‌السلام ۹ تن هستند که نهمین آنها قائم علیه‌السلام است (نعمانی، ص ۶۸ و ۷۴ و ۱۰۳).

۴. ابن ندیم (متوفای ۴۳۸) در اخبار علما و نام کتابهایی که تصنیف کرده‌اند، می‌نویسد: «محمد بن اسحاق گوید: سلیم بن قیس هلالی از اصحاب علی (ع) بود. چون حجاج قصد دستگیری و قتلش را داشت، گریخته و به ابان بن ابی عیاش پناه برد. او نیز پنااهش داد و همین که به حال احتضار افتاد به ابان گفت: تو بر من حق داری و اکنون مرگ من فرا رسیده است. ای برادر زاده! پس از رسول خدا (ص) اوضاع چنین و چنان شد. کتابی به ابان داد که به کتاب سلیم مشهور شد. ابان آن را از وی روایت کرد و در کلامش می‌گفت که قیس پیرمردی نورانی بود. اولین کتابی که از شیعیان هویدا شد، کتاب سلیم بن قیس هلالی است» (ابن الندیم، الفهرست، ص ۴۰۲).
۵. ابن غضائری درباره او نوشته است: «سلیم بن قیس الهلالی العامری: روی عن ابی عبدالله و الحسن و الحسین و علی بن الحسین علیهم السلام و ینسب الیه هذا الكتاب المشهور. کان یقولون ان اصحابنا مواضع من [یعنی رجالیون بغداد] سلیماً لا یعرف و لا ذکر فی خبر و قد وجدت ذکره فی غیر جهة کتابه و لا من روایة ابان بن ابی عیاش و قد ذکر ابن عقدة فی رجال امیر المؤمنین (ع) احادیث عنه و الكتاب موضوع لا مرية فيه و علی ذلك علامات فيه تدل علی ما ذکرناه منها ما ذکر أن محمد بن ابی بکر وعظ اباه عند الموت و منها أن الأئمة ثلاثة عشر و غیر ذلك و اسانید هذا الكتاب تختلف تارة بروایة عمر بن أذينة عن ابراهیم بن عمر الصنعانی عن ابان بن ابی عیاش عن سلیم و (تارة) یروی عن عمر عن ابان بلا واسطة». (رجال ابن غضائری، ج ۳، ص ۱۵۶ و ۱۵۷؛ خویی، ج ۸، ص ۲۱۸).
۶. نجاشی (۳۷۲-۴۵۰) در زمرة اولین مصنفین (الطبقة الأولى) شیعه نام سلیم بن قیس را ذکر کرده و درباره اش نوشته است: سلیم بن قیس الهلالی له کتاب، یکننا اباصادق. أخبرنی علی بن احمد القمی قال: حدثنا محمد بن الحسن بن الولید قال حدثنا محمد بن ابی القاسم ماجیلویه عن محمد بن علی الصیرفی عن حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی قال حماد بن عیسی حدثنا ابراهیم بن عمر. یکی از اصحاب اجماع از اصحاب امام صادق علیه السلام است که

درباره شان آمده است: اجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عن هؤلاء و تصديقتهم لما يقولون (خویی، ج ۱، ص ۶۰، p).

در میان شش تن از اصحاب امام موسی بن جعفر و امام رضا علیهم السلام، که در زمرة اصحاب اجماع هستند، برخی عثمان بن عیسی را ذکر کرده‌اند (خویی، ج ۱، ص ۶۱). الیمانی عن سلیم بن قیس بالکتاب (نجاشی، ص ۶).

۷. شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰) در کتاب «الفهرست» به شماره ۳۴۸ سلیم بن قیس الهلالی را ذکر کرده و گفته است: یکنی ابا صادق، له کتاب اخیرنا به ابن ابي جید عن محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن ابی القاسم الملقب بماجیلویه عن محمد بن علی الصیرفی عن حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی عن أبان بن ابی عیاش عنه، و رواه حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الیمانی عنه (طوسی، ص ۸۱).

شیخ در کتاب رجالش او را در زمرة اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام، پنجمین فرد به شماره ۵۹۰ (ص ۶۶) و در اصحاب امام حسن علیه السلام، شماره ۹۳۴ (ص ۹۴) و اصحاب امام حسین علیه السلام اولین نفر به شماره ۹۸۴ (ص ۱۰۱) ذکر کرده و در میان اصحاب امام سجاد با نام سلیم بن قیس الهلالی ششمین نفر از اصحاب به شماره ۱۱۳۶ (ص ۱۱۴) و در زمرة اصحاب امام باقر علیه السلام با نام سلیم بن قیس الهلالی ثم العامری الکوفی، صاحب امیرالمؤمنین علیه السلام را با شماره یک و قبل از نام سلمه یاد کرده است (طوسی، رجال، ص ۱۳۶).

۸. ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸) در کتاب معالم العلماء می‌نویسد: سلیم بن قیس الهلالی صاحب الاحادیث، له کتاب (ص ۵۸، ش ۳۹۰).

۹. علامه حلی (م ۷۲۶) در کتاب «الخلاصة الاقوال» در قسم اول یعنی افرادی که به آنان اعتماد دارد - ذکر کرده و به عدالت او حکم کرده است. در باب هشتم از فصل سین می‌نویسد: «سید علی بن احمد عقیقی می‌گوید: سلیم (بضم السین) بن قیس از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود. ابو الحسن علی بن احمد بن علی بن محمد بن جعفر بن الحجة بن عبیدالله الأعرج بن الحسين الأصغر ابن امام سجاد (ع) که میان قرن سوم و چهارم می‌زیسته است. شیخ

طوسی در الفهرست او را نام برده و نجاشی ذیل شرح حال زیاد بن عیسی از او یاد کرده است» (ابوعلی حائری، منتهی المقال، ج ۱، ص ۲۷ مقدمه تحقیق).
حجاج به دنبال او بود تا او را به قتل برساند. وی از دست حجاج به ابان بن ابی عیاش پناه برد. هنگامی که مرگش نزدیک شد به ابان گفت: تو بر من حقی داری، ای پسر برادر، مرگم فرا رسیده است. اوضاع بعد از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم چنین و چنان شد. کتابی به ابان داد و هیچ کس جز ابان بن ابی عیاش از او از این کتاب نقل نکرده است. ابان او را یاد می کرد و می گفت: او پیرمردی عابد و نورانی بود (علامه حلی، ص ۸۳؛ خوبی، ج ۸، ص ۲۲۰).

۱۰. ابن داود (متوفای ۷۰۷) به شماره ۷۲۱ می نویسد: سلیم بن قیس الهمدانی صاحب کتاب بوده از امام علی، حسن، حسین، علی بن الحسین و باقر علیهم السلام روایت کرده از اولیا است. در کتاب او دست برده شده است و این مطلب که ائمه سیزده تا هستند و اینکه سندهایش مختلف است، مورد تأمل است (رجال ابن داود، ص ۱۷۸)؛ لکن کتابش مرجع احتجاج راویانی چون مخنف بن سلیم از دی است (همان، ص ۴۴). این بیان ابن داود نشانگر اعتماد بر کتاب سلیم است.

۱۱. فاضل تفرشی (متوفای قرن ۱۱) نیز نام سلیم را در کتابش یاد کرده و گفتار نجاشی، شیخ طوسی، ابن عقده، علامه و کشی را آورده است (تفرشی، ج ۲، ص ۳۵۷).

۱۲. شیخ حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴) نیز کتاب سلیم را از کتابهای معتبر نامیده و خود یک نسخه خطی از این کتاب را داشته است (وسائل الشیعه، الخاتمه، الفائدة الرابعة، ج ۲۰، ص ۴۲).

۱۳. محمد بن علی اردبیلی (متوفای ۱۱۰۱) در باب سین از کتاب جامع الرواة، سلیم را چنین معرفی کرده است: «سلیم بن قیس الهمدانی ثم العامری الکوفی صاحب امیر المؤمنین علیه السلام». سپس گفتار کشی و نجاشی و علامه حلی و... را درباره او آورده است و می نویسد: حماد بن عیسی بن ابراهیم بن عثمان

عنه في خطبة لأمير المؤمنين عليه السلام بعد رسالة ابي جعفر عليه السلام الى ابي سعيد الخيبري في كتاب الروضة (ارديلي، ج ۱، ص ۳۷۴).

۱۴. علامه مجلسي (متوفای ۱۱۱۱) در آغاز کتاب بحار الانوار درباره به مطالب آغازین کتاب سلیم گفته و سرگذشت سلیم و فرار او را از ترس حجاج و تسلیم کردن کتابش به ابان بن ابی عیاش قبل از فوتش یاد کرده است؛ سپس می‌نویسد: «ابان می‌گوید که وقتی سلیم را دیدم چهارده ساله بودم؛ سؤالاتی از او کردم و او احادیث فراوانی از عمر بن ابی سلمه (پسر ام سلمه)، معاذ بن جبل، سلمان فارسی و علی علیه السلام و ابوذر، مقداد، عمار و براء بن عازب برایم نقل کرد»...

ابان گوید در سالی به حج رفتم و به خدمت علی بن الحسین علیه السلام رسیدم در حالی که ابو طفیل عامر بن واثله صحابی پیامبر صلی الله و علیه و آله وسلم که از اصحاب خاص علی علیه السلام بود، حضور داشت و عمر بن ابی سلمه نزد آن حضرت بود. بر او و بر علی بن الحسین علیه السلام احادیث را سه شبانه روز - از صبح تا شب - عرضه داشتم. ایشان {حضرت} فرمود: «صدق سلیم رحمه الله هذا حدیثنا کله نعرفه». ابو طفیل و عمر بن ابی سلمه گفتند همه احادیث آن را از علی علیه السلام و سلمان و ابوذر و مقداد شنیده‌ایم. عمر بن اذینه گوید: سپس ابان کتاب سلیم بن قیس الهلالی را به من داد و ابان پس از آن بیش از یک ماه زنده نماند. مجلسی می‌نویسد: تمام مطالب را در کتاب فتن خواهم آورد (مجلسی، ج ۱، ص ۷۹).

در کتاب الفتن و المحن، مجلدات ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ علامه مجلسی بابهای مختلفی طرح، و از کتابهای مرجعش احادیث را نقل کرده است و در پایان می‌نویسد: اقول: وجدت في كتاب سليم بن قيس که در ذیل آن مطالب ارائه شده از کتابهای مرجع را با مطلب مشابهش از کتاب سلیم تقویت می‌کند (ج ۲۸، ص ۵، ۱۴، ۱۶) «باب افتراق الأمة بعد النبی»؛ ص ۵۳ «باب اخبار الله تعالی نبیه و اخبار النبی امته»؛ ص ۲۹۵ «باب الرابع» و بسیاری موارد دیگر در مجلدات فوق آمده است.

۱۵. ابو علی حائری (متوفای ۱۲۱۶)، ذیل نام سلیم بن قیس الهلالی به رجال شیخ طوسی استناد کرده است و او را صحابی پنج امام معرفی می‌کند و می‌نویسد: ثم العامری الکوفی. سپس قول نجاشی، علامه در الخلاصه، گفتار سید علی عقیقی و ابن غضائری را درباره او ذکر می‌کند و می‌نویسد: الوجه عندی الحکم بتعدیل المشار الیه و التوقف فی الفاسد عن کتابه (الخلاصه، ۸۲/۱). صاحب منتهی المقال ایرادها بر کتاب سلیم (مسأله موعظه محمد بن ابی بکر و سیزده تن بودن ائمه را) را ذکر کرده است و پاسخهای آنها را با بیانات شیخ طوسی و نجاشی و احادیث کتاب خصال و کافی و گفتار مجلسی اول، ارائه می‌کند؛ پس از آن می‌نویسد: بدانکه اکثر احادیث موجود در این کتاب در کتابهای معتبر مانند کتاب «التوحید»، «أصول الکافی»، «الروضة»، «اکمال الدین» و دیگر کتب آمده است و اگر این کتاب از اصول مشهور نبود، انتظاری نبود که در بسیاری از کتابهای معتبر احادیثش آمده باشد. در آغازش در دو نسخه چنین آمده است: حدثنی ابوطالب محمد بن صبیح بن رجاء بدمشق سنة أربع و ثلاثین و ثلاثمائة، قال: أخبرنی أبو عمرو عصمة ابن أبی عصمة البخاری، قال: حدثنا ابوبکر أحمد بن المنذر بن أحمد الصنعانی بصنعاء شیخ صالح مأمون جار اسحاق بن ابراهیم الدیری، قال حدثنا ابوبکر عبدالرزاق بن همام بن نافع الصنعانی الحمیری، قال: حدثنا ابو عروة معمر بن راشد البصری، گفت: أبان بن أبی عیاش حدود یک ماه قبل از فوتش مرا فراخواند و به من گفت: دیشب رؤیایی دیدم و خبردار شدم که به زودی خواهم مرد و امروز تو را دیدم، شادمان شدم. دیشب سلیم بن قیس الهلالی را به خواب دیدم که به من گفت: ای أبان به زودی روزگارت به سر آید. از خدا بترس و امانت مرا ضایع نکن و ضمانتی که به عهده گرفتی به انجام برسان و ودیعه مرا به مردی از شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام برسان. وقتی تو را دیدم خوشحال شدم و خوابم را برایت گفتم. سلیم بن قیس هنگامی که حجاج پا به عراق گذاشت و به دنبال او می‌گشت، گریخت و در نوبندجان به ما پناه آورد و در خانه با ما بود. هرگز مردی به پرهیزکاری و

اجتهاد او و محزونتر از او که بیش از او نفس خویش فراموش کرده باشد و به اندازه او بر شهوات نفسانی خود سختگیر ندیده‌ام. من در آن روز چهارده ساله بودم پس از آن به من گفت: به من قول بده و عهد ببند که تا من زنده هستم، کسی را از مطلب و {نوشته‌های من} با خبر نکنی. پس از مرگ من هم آن را به فردی موثق، شیعه علی بن ابی طالب علیه‌السلام از میان کسانی که دین و حسب دارند، بسپار. ابان گوید: به او قول دادم. پس مکتوبه هایش را به من داد و همه آنها را برایم خواند. چندی نگذشت که سلیم به رحمت خدا رفت. در نوشته‌ها نگریستم و با خودم آن را داشتم و با عظمتش شمردم. در آن مطلب درباره هلاکت امت محمد صلی الله و علیه و آله وسلم از مهاجر و انصار و تابعی بود، جز برای علی بن ابی طالب و اهل بیتش و شیعیانش . . .

راوی مطلب را ادامه داده است تا اینکه گفت: عمر بن اذینه گفت: ابان، کتاب سلیم را به من سپرد و پس از آن ابان بیش از دو ماه زنده نبود. این نسخه کتاب سلیم بن قیس هلالی عامری است که به ابان بن ابی عیاش سپرد و بر او قرائت کرد و ابان گفت که آن را بر علی ابن الحسین علیه‌السلام قرائت کرده است و ایشان فرمود: صدق سلیم، هذا حدیثنا نعرفه (سلیم بن قیس، انصاری زنجانی، ج ۲، ص ۵۵۹).

علامه مجلسی (ره) گوید: کتاب سلیم بن قیس از مشهورترین کتبی است که عده‌ای بر آن طعن وارد کرده‌اند و بحق که از اصول معتبر است (مجلسی، بحار، ج ۱، ص ۳۲). سپس ابوعلی می‌گوید: مخفی نیست که اصل طعن از جانب ابن غضائری رخ داده است و درباره او بارها گفته‌ایم که طعن‌های وی مورد توجه نیست. اگر هم به طعن بر سلیم حکم کنیم، هر آینه فرد جلیل از طعن مبراست (ابوعلی حائری، ج ۳، ص ۳۸۲) و مقدس صالح در شرح اصول کافی (مولی محمد صالح بن احمد مازندرانی سروری متوفای ۱۰۸۱ یا ۱۰۸۶) گفته است: برخی از محدثین شیعه گفته‌اند: سلیم صاحب أمير المؤمنین علیه‌السلام و من خواصه، روی عن السبطين و السجاده و الباقر و الصادق علیهم‌السلام و هو من الأولیاء و الحق فیہ وفاقاً للعلامة و غیره من وجوه الأصحاب تعدیله (همان، ص ۳۸۳؛ به نقل از: مولی محمد صالح، ج ۲، ص ۳۷۴). ایشان

می‌افزاید: ابن شهر آشوب می‌گوید: سلیم بن قیس الهلالی صاحب الاحادیث، له کتاب (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۵۸، ش ۳۹۰) و در کتاب تحریر طاوسی آمده است: تضمن الكتاب ما يشهد بشكره (ابوعلی، ج ۳، ص ۳۸۲ به نقل از التحریر الطاوسی، ۲۵۲). مختصر البصائر نیز می‌نویسد: کتاب سلیم بن قیس الهلالی الذی رواه عنه أبان بن ابی عیاش و قرأ جمیعہ علی سیدنا علی بن الحسین علیہ اسلام بحضور جماعة من أعیان الصحابة - منهم أبو الطفیل - فأقره علیہ زین العابدین علیہ السلام و قال: هذا أحادیثنا صحیحة (ابوعلی حائری، ج ۳، ص ۳۸۳). مشاهده می‌شود که صاحب منتهی المقال با اعتماد بر گفتار مجلسی و مولی محمد صالح مازندرانی و ابن شهر آشوب بر وجود سلیم و کتاب او ارج می‌نهد.

۱۶. سید حسن صدر (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴) نیز سلیم را در زمرة اولین مصنفین حدیث یاد کرده و کلام نجاشی و نعمانی را درباره او نقل کرده است (صدر، ص ۲۸۲).

۱۷. علامه مامقانی (۱۲۹۰ - ۱۳۵۱) در کتاب رجال خود، درباره سلیم بن قیس ابتدا تمام گفتارهای شیخ طوسی را در کتاب رجال و الفهرست یاد کرده است؛ سپس بیان نجاشی و طریق او به سلیم را می‌آورد و کلام علامه در آخر قسم اول از کتاب الخلاصه را گفته است و نظر برقی را درباره سلیم اعلام می‌دارد و روایت کشی درباره روایت ابان از سلیم را نقل می‌کند و اینکه ابان حدیث سلیم را نزد امام علی بن الحسین بیان کرد و آن حضرت آن را تصدیق فرمود و پس از آن در سفر حج، اباجعفر محمد بن علی علیه السلام را ملاقات کرد و حدیث را بر آن حضرت عرضه داشت و آن حضرت نیز سلیم را تصدیق کرد و فرمود که پس از قتل جدم حسین علیه السلام، سلیم این حدیث را بر پدرم عرضه کرد و من در آنجا نشسته بودم، پدرم او را تصدیق کرد و فرمود که پدرم و عمویم حسن علیه السلام از امیرالمؤمنین این حدیث را نقل کردند (این بود کلام کشی). در ادامه می‌نویسد: صاحب معالم هم در کتاب التحریر الطاوسی از سلیم بن قیس یاد کرده است (مامقانی، ج ۲، ص ۵۲). سپس، گفتار ابن غضائری را درباره سلیم و طریق حدیث او می‌آورد

در حالی که قبل از بیان آن می‌گوید که ابن غضائری طبق عادت مردودش در این مطلب مناقشه می‌کند و موارد ایراد او بر روایانش و حدیث موعظه محمد بن ابی بکر، پدرش را و سیزده تن بودن ائمه را یاد می‌کند. علامه مامقانی درباره موعظه محمد بن ابی بکر می‌گوید که دقیقاً معلوم نیست که سن او هنگام فوت پدرش کمتر از سه سال باشد، لکن در هر صورت ممکن است به تلقین مادرش اسماء بنت عمیس حدیث شهادت ائمه را به پدر تلقین می‌کرده است. سپس برای اصلاح حدیث، گفتار فاضل تفرشی - در حاشیه کتاب نقد الرجال - را می‌آورد که برخی از افاضل گفته‌اند: «عبدالله بن عمر بوده که پدر را موعظه می‌کرده است». بدین ترتیب، اصلاح حدیث را استحکام می‌بخشد و ائمه سیزده گانه از فرزندان حضرت اسماعیل را بیان می‌دارد که با رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سیزده تن می‌شوند و می‌نویسد: هر نسخه‌ای از این کتاب به دست من رسیده، مانند همین بیان بوده و درست است .

مامقانی برای رفع این شبهه از گفتار نجاشی در بیان شرح حال هبة الله بن احمد کاتب کمک می‌گیرد که آمده است: او در محضر ابوالحسن بن شیبیه علوی زیدی مذهب بود و برای او کتابی تهیه می‌کرد و در آن ذکر کرده که ائمه با زید بن علی بن الحسین علیه السلام سیزده تن هستند (نجاشی، ص ۳۰۸) و برای گفته خود به حدیث سلیم استناد کرده (ائمه سیزده تن از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند) در حالی که در کتاب سلیم، سیزده تن از فرزندان اسماعیل قید شده و هبة الله کلمه اسماعیل را به امیرالمؤمنین تبدیل کرده و کلمه تصحیف شده را به کتاب سلیم بن قیس نسبت داده است در حالی که این علامت وضع در کتاب ابوالحسن بن شیبیه است که هبة الله آن را ساخته است نه کتاب سلیم بن قیس.

۱۸. سید محسن امین (۱۲۸۳-۱۳۷۱)، سلیم بن قیس الهلالی العامری الکوفی، ابوصادق را در زمرة اعیان از شیعه نام برده و گفتار شیخ طوسی، نجاشی، علامه حلی را درباره او گفته، سپس بیان ابن غضائری و عدم تأیید او را بیان داشته و پس از آن روایاتی را که کشی نقل کرده، ذکر کرده است؛ سپس به

نقد نظریات می‌پردازد و ایرادات وارد - بر دو حدیث مخدوش - از جانب ابن غضائری و شهید الثانی در تعلیقه الخلاصة الاقوال را چنین پاسخ می‌گوید:

الف) شیخ طوسی، سلیم را در زمرة اصحاب امام علی، حسن، حسین، علی بن الحسین و باقر علیهم السلام ذکر کرده و در ردیف اصحاب امام صادق علیه السلام نگفته است و لو اگر روایتی از آن حضرت داشته باشد در حالی که ابن غضائری سلیم را در زمرة اصحاب امام علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام نشمرده با اینکه به اتفاق همه کتب رجالی او از اصحاب این دو امام همام بوده است، پس بدون شک خطا از نسخ در نقل سند کتابی است که در دست ابن غضائری بود.

ب) ابراهیم بن عمر صنعانی در شرح حالش توثیق شد (سید امین، ج ۲، ص ۱۹۷) و ابن غضائری و وضعش در جرح کردن افراد معلوم است و جرح صنعانی ابن {یمانی} ابن ابی عیاش ریشه در روش غضائری دارد.

ج) گفته ابن غضائری در ضعیف بودن سند با روایاتی که در کافی و خصال موجود است و اسانید متعدد صحیح و معتبر رد می‌شود.

د) اگر تصریح به توثیق سلیم نشده است، همین که برقی او را از «اولیاء امیرالمؤمنین علیه السلام» برشمرد و اینکه ابان گفته که او پیر مردی نورانی و بلند مرتبه بود در توثیقش کافی است.

ه) نقلی که ابن غضائری از سلیم استناد کرده است که محمد بن ابی بکر پدرش را موعظه کرد... و ائمه سیزده نفرند در حاشیه النقد (نقد الرجال) آمده است که برخی از افاضل گفته‌اند: در نسخه‌ای از این کتاب که به دست ما رسیده است، دیده‌ایم که عبدالله بن عمر پدرش را موعظه کرد و ائمه سیزده گانه از فرزندان اسماعیل علیه السلام هستند که عبارتند از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم با دوازده امام علیهم السلام و اشکالی در این بیان نیست. مؤلف النقد می‌گوید: گویا نسخه ابن غضائری جعلی بوده است، زیرا در تعدادی موارد از این کتاب دیده‌ام که ائمه را دوازده تن از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام گفته است؛ از جمله گفته نجاشی در شرح حال هبة الله بن احمد بن محمد در شرح حال ابان از قول المنهج گفتیم که

نسخه‌ای از این [یعنی استرآبادی صاحب کتاب منهج المقال] کتاب که به دست او رسیده در آن آمده است: عبدالله بن عمر پدرش را هنگام مرگ موعظه کرد و سیزده امام با پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم حساب می‌شود و چنین مطلبی جای وضع و جعل ندارد.

جدم (مجلسی اول) می‌گوید: بعید نیست اگر موعظه محمد بن ابی بکر صحت داشته باشد، این موعظه را از مادرش اسماء بنت عمیس فرا گرفته باشد. به نظر می‌رسد که نسخه ابن غضائری غلط داشته است، اما درباره هبة الله بن احمد آمده است که در کتاب سلیم حدیثی است که می‌گوید: ائمه دوازده گانه از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند. معلوم می‌گردد که نسخه‌های کتاب مختلف بوده در برخی کلمه امیرالمؤمنین علیه السلام و در برخی رسول الله صلی الله وعلیه وآله وسلم است که از اشتباه قلم نویسندگان (نسخه نویسان) است. جدم گفت: بلکه ائمه دوازده گانه فرزندان رسول الله صلی الله وعلیه وآله وسلم هستند که علی علیه السلام نیز بر اساس تغلیب به همراه آنان است؛ زیرا به منزله فرزند پیامبر بود، همچنان که برادر آن حضرت هم بود و در دوران خردسالی علی علیه السلام که ابوطالب تنگدست شد و حضرت خدیجه علیها السلام زنده بود، حضرت محمد صلی الله وعلیه وآله وسلم نگهداری علی علیه السلام را به عهده گرفت و به منزله فرزند آن حضرت شد.

مانند این عبارت در کتاب الکافی و کتابهای دیگر موجود است.

درباره کلمه «ثلاثة عشر» سید امین می‌نویسد: من همه کتاب را از اول تا آخرش بررسی کردم و چنین کلمه‌ای نیافتم، بلکه در چند مورد «اثنا عشر» من ولد علی علیه السلام بود. بسا مطلب نسبت داده شده مانند مطلبی است که در حدیث پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم یافت می‌شود که فرمود: ان الله نظر الى اهل الارض فاخترني و اختار عليا فبعثني رسولا و نبيا و دليلا و اوحى الي ان اتخذ عليا اخا و دليلا و وصيا و خليفة في امتي بعدى الا انه ولي كل مؤمن بعدى. ايها الناس ان الله نظر نظرة ثانية فاختر بعدنا اثني عشر وصيا من اهل بيتي فجعلهم خيار امتي واحدا بعد واحد (فجعل الاثني عشر بعده و بعد علي مقتضاه انهم غير علي) و نظير حديث الديراني که پس از بازگشت علی علیه السلام از جنگ صفین نزد آن حضرت آمد و گفت که

کتابی از نوشته عیسی علیه السلام دارد که در آن آمده است: «ثلاثة رجال من ولد اسماعیل هم خیر خلق الله».

سید امین پس از نقل این احادیث می گوید: شاید این روایتها سبب آن اشتباه شده است و آنچه معتبر از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم داریم، این است که فرمود: اول الأئمة اخی علی ثم ابنی الحسن ثم ابنی الحسین ثم تسعة من ولد الحسین (الخصال، ج ۲، ص ۴۷۵، مناقب، ج ۴، ص ۷۰ فصل فی حجة النبی، مئة المنقبة، ص ۱۲۴ المنقبة الثامنة و الخمسون).

در حدیث دوم برای تعداد ۱۳ چنین است: احمد رسول الله و محمد ثم اخوه و وزیره و خلیفته و احب من خلق الله الی الله بعده ابن عمه علی بن ابی طالب ثم أحد عشر رجلا من ولده و ولد ولده....

(و این گفته که اسانید کتاب سلیم مختلف است، من ضرر و اشکالی در آن نمی بینم؛ زیرا که از کتاب کافی، خصال و فهرست کثرت طرق آن آشکار است. در پایان سید امین ذیل عنوان التمییز می نویسد: در کتاب مشترکات طریحی و کاظمی هم آمده است که سلیم، فرزند قیس، ابراهیم بن عمر یمانی و أبان بن ابی عیاش از او روایت کرده اند و کتاب جامع الرواة نیز روایت حماد بن عیسی از ابراهیم بن عثمان را از او معرفی می کند (امین، ج ۷، ص ۲۹۳ - ۲۹۴).

۱۹. شیخ آقابزرگ (۱۲۹۳ - ۱۳۸۸) ذیل عنوان اصلها به شماره ۵۹۰۵ اصل سلیم بن قیس الهلالی ابی صادق عامری کوفی تابعی را قید کرده و درباره وی نوشته است: محضر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حسن، حسین، علی بن الحسین و باقر علیهم السلام را درک کرد و در زمان امامت علی بن الحسین علیه السلام دنیا را وداع کرد، در حالی که از ترس حجاج در دوران حکمرانی اش - که قصد کشتن سلیم را داشت - مخفی شده بود.

درباره این اصل، صاحب الذریعه می نویسد: «از اصول کمیابی است که قبل از دوران امام صادق علیه السلام تألیف یافته و ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی در کتاب «الغیبة» گفته است: «لیس بین جمیع الشیعه ممن حمل العلم و رواه عن الأئمة علیهم السلام خلاف فی أن کتاب سلیم بن قیس الهلالی أصل من اکبر کتب

الاصول التي رواها أهل العلم و حملة حديث أهل البيت عليهم السلام و أقدمها لان جميع ما اشتمل عليه هذا الأصل انما هو عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و أمير المؤمنين عليه السلام و المقداد و سلمان الفارسي و أبي ذر و من جرى مجراهم ممن شهد رسول الله و أمير المؤمنين عليهم السلام و سمع منهما و هو من الاصول التي ترجع الشيعة اليها و تعول عليها». سپس گفتار كشي را در تصديق سليم توسط امام علي بن الحسين و امام باقر عليهما السلام آورده است» (كشي، ج ۱، ص ۳۲۱؛ طهراني، ج ۲، ص ۱۵۲). پس از آن می‌گوید: كتاب سليم از اصول مشهور نزد شيعة و اهل سنت است. ابن نديم هم آن را اولين كتاب مربوط به شيعة می‌داند (طهراني، ج ۲، ص ۱۵۳). روایت أبان از طريق مناولة است (البته صاحب كتاب، خود كتابش را به او داده است)، لكن همچنان که از اسانيد پيدا است، ديگران به غير از أبان از كتاب سليم - به غير طريق مناولة - روایت کرده‌اند؛ از جمله: ابراهيم بن عمر يمانی (صنعانی) است که نجاشی درباره او می‌نويسد: ابراهيم بن عمر اليماني الصنعاني شيخ من اصحابنا، ثقة، روى عن ابي جعفر و ابي عبدالله عليهم السلام ذكر ذلك ابو العباس و غيره. له كتاب يرويه عنه حماد بن عيسى و غيره. اخبرنا محمد بن عثمان قال حدثنا ابوالقاسم جعفر بن محمد قال حدثنا عبيدالله بن احمد بن نهى قال حدثنا ابن ابي عمير عن حماد بن عيسى عن ابراهيم بن عمر به (رجال نجاشی، ص ۱۵)؛ مامقانی هم درباره ابراهيم بن عمر صنعانی، که همان ابراهيم بن عمر يمانی است، گفته بود که ما او را توثيق کرده‌ايم (مامقانی، ج ۲، ص ۵۳).

حماد بن عيسى از او از سليم بدون واسطه روایت کرده است که نجاشی و شيخ طوسی اين سند را به صراحت گفته‌اند و وجود واسطه در سند ديگر منافاتی با اين سند ندارد (همان، ص ۱۵۴).

همچنان که در كتاب «اثبات الرجعة» از روایت محمد بن اسماعيل بن بزيع از حماد بن عيسى نام برده از ابراهيم بن عمر يمانی از ابان بن ابي عیاش از سليم روایت کرده است و همچنين در اسانيد ديگر. بلکه از اينها ظاهر است که ابراهيم بدون واسطه و نیز با واسطه ابان از سليم روایت کرده است، بلکه در برخی اسانيد به واسطه تعدادی از افراد روایت می‌کند؛ همچنان که در صدر برخی نسخه‌های اصل سليم

موجود است: (عن ابراهیم بن عمر الیمانی عن عمه عبدالرزاق بن همام الذی توفی سنة ۲۱۱ عن أبیه همام بن نافع الصنعانی الحمیری عن أبان بن أبی عیاش عن سلیم بن قیس) و همچنین: (ابراهیم عن عبدالرزاق عن معمر بن راشد عن أبان عن سلیم بن قیس).

مطلب بدین صورت است که اینها معاصر بوده‌اند و به سبب تکثر طرق که البته نشانه کثرت و ثوق است، برخی از برخی همعصران خود تحمل حدیث می‌کردند، گرچه برایشان طریق اعلی و بلاواسطه هم بود.

توضیح: برخی از احادیث را همعصران از یک نفر بدون واسطه می‌شنیدند و گاهی با واسطه؛ همچنان که در میان اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم چنین بود.

صاحب «الذریعه» درباره نسخه‌هایی که از کتاب سلیم دیده است، نیز سخن می‌گوید و تفاوت آنها را مشخص کرده است و تمام شده‌ترین و کاملترین و صحیح‌ترین نسخه را معرفی می‌کند (طهرانی، ج ۲، ص ۱۵۸).

۲۰. آیت الله خویی (متوفای ۱۴۱۱) ذیل نام سلیم بن قیس به شماره ۵۳۹۱ در

کتاب معجم رجال الحدیث، گفتار نجاشی، شیخ طوسی، برقی، کشی، ابن الغضائری، شیخ مفید، نعمانی، ابن شهر، شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳) در آخر کتاب تصحیح الاعتقاد می‌نویسد: اما ما تعلق به ابوجعفر (صدوق) من حدیث سلیم الذی رجع فیہ الی الکتاب المضاف الیه بروایة أبان بن أبی عیاش، فالمعنی فیہ صحیح غیر أن هذا الکتاب غیر موثوق به و قد حصل فیہ تخلیط و تدلیس فینبغی للمتدین أن یجتنب العمل بکل ما فیہ و لا یعول علی جملته و التقلید لروایتہ و لیفزع الی العلماء فیما تضمنه من الاحادیث لیوقفوه علی الصحیح منها و الفاسد و الله الموفق للصواب (خویی، ج ۸، ص ۲۱۹).

آشوب، علامه در کتاب «خلاصة الاقوال» را ذکر می‌کند. ایشان سلیم بن قیس را به خودی خود فردی ثقه، جلیل القدر و عظیم الشأن می‌داند و دلیل آن را شهادت برقی درباره او، که از اولیای اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام بود و مؤید کلامش را گفتار نعمانی درباره کتاب سلیم است (ر.ج: نعمانی، ص ۱۰۳؛ نیز همین مقاله). کتاب او را از اصول معتبر و بلکه از بزرگترین آنها می‌داند و همه مطالب آن را صحیح و

صادر شده از جانب معصوم علیه‌السلام یا از کسانی که روایتشان مورد قبول و تصدیق است، می‌داند و به استناد کلام صاحب وسایل الشیعه، شکی در آن نمی‌بیند (خویی، ج ۸، ص ۲۲۰). سپس آیت الله خویی ایرادهای وارد بر کتاب سلیم از جانب ابن غضائری و دیگران را ارائه کرده است و پاسخ می‌گوید و از گفتار میرزای استرآبادی و فاضل تفرشی درباره موعظه محمد بن ابی بکر به پدرش هنگام فوت او و سیزده تن بودن ائمه را پاسخ می‌گوید و سرانجام، می‌نویسد:

«و من در تمام نسخه‌هایی از این کتاب که به دستم رسیده، جز اینکه احادیثش از اول تا آخر درست است، نیافتم و آنچه ابن غضائری گفته بر اشتباه حمل می‌شود و نسخه‌ای که به دست ابن غضائری رسیده بوده، اشکال داشته در حالی که نسخه‌های دیگری وجود داشته که روایت به گونه صحیح درج شده است» (خویی، ج ۸، صص ۲۲۰ - ۲۲۱). روایتی که نعمانی در کتاب الغیبة با اسناد خویش از سلیم بن قیس در کتابش حدیثی طولانی را نقل کرده است، تکرار می‌کند که در آن آمده است: ... فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: عنى الله بذلك ثلاثة عشر انساناً: أنا و أخی علیاً و احد عشر من ولده (الحديث) (بحرانی، ج ۳، ص ۱۰۶؛ فیض کاشانی، ج ۲، ص ۱۳۵ نظیر آن) و در تأیید آن به روایتی که محمد بن یعقوب به دو سند صحیح و به سند دیگر از ابان بن ابی عیاش، از سلیم بن قیس روایت می‌کند، استناد می‌جوید (کلینی، ج ۱، کتاب الحجة ۴، باب ما جاء فی الاثنی). قال سمعت عبدالله بن جعفر الطیار يقول: كنا عند معاوية أنا و الحسن و الحسين علیهما السلام و عبدالله بن عباس و عمر بن ام سلمة فجرى بينی و بین معاوية كلام فقلت لمعاوية: سمعت رسول الله يقول: انا اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم اخی علی بن أبی طالب علیه‌السلام اولی بالمؤمنین من انفسهم فاذا استشهد علی فالحسن بن علی اولی بالمؤمنین من انفسهم، ثم ابنی الحسين من بعده اولی بالمؤمنین من انفسهم، فاذا استشهد فابنه علی بن الحسين اولی بالمؤمنین من انفسهم و ستدر که یا علی ثم ابنه محمد بن علی اولی بالمؤمنین من انفسهم ثم تکمله اثنی عشر اماماً تسعة من ولد الحسين... الی أن قال: قال سلیم و قد سمعت ذلك من سلمان و أبی ذر و المقداد و ذکروا انهم سمعوا ذلك من رسول الله صلى الله عليه وآله

وسلم). عشر و النص علیهم، (ص ۱۲۶، حدیث ۴). نعمانی در کتاب الغیبة هم از محمد بن یعقوب همین گونه نقل کرده است.

صدوق (م ۳۸۱) نیز در کتاب الخصال در ابواب اثنی عشر، حدیث ۴۱ به دو سند صحیح از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس الهلالی به همین صورت نقل کرده است (خصال، ج ۲، ص ۴۷۵ و ۴۷۷؛ خویی، ج ۸، ص ۲۲۲ - ۲۲۴).

در پایان، آیت الله خویی معتقد است که اگر کتاب سلیم شامل یکی دو مورد امر باطل باشد، دلیل بر وضعی و جعلی بودن آن نیست، همان گونه که در بیشتر کتابها موجود است؛ حتی در کتاب «الکافی» که از استوارترین و متقن ترین کتب حدیثی است (خویی، همان، ص ۲۲۵).

باید گفت: شیخ طوسی نیز از کلینی در کتاب الغیبة (ص ۱۳۷) و اربلی در کشف الغمه آن را نقل کرده اند (ج ۲، ص ۵۰۸ الباب الخامس و العشرون). شیخ طوسی نظیر این حدیث را از سلیم از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است (طوسی، الغیبة، ص ۱۹۳ و ۳۳۴).

می‌گوییم: نکته دیگر در کلام ابن غضائری این است که روایت سلیم بن قیس عن ابی عبدالله و الحسن و الحسین و علی بن الحسین علیهم السلام است که روایت او از ابی عبدالله علیه السلام درست نیست؛ زیرا سلیم امام صادق علیه السلام را در کت نکرده است. نیز روش محدثان و رجالیان چنین است که هنگامی که فردی را در زمره راویان یا بر نقل از ائمه ذکر می‌کنند از امام ماقبل به امام مابعد به ترتیب می‌گویند، نه اینکه اول نام امام صادق را ببرند، سپس امام حسن و امام حسین و امام سجاد (ع) را. پس این نقل ابن غضائری هم اشکال دارد و صحیح این است که گفته می‌شد: ابی الحسن یا ابی الحسین که مقصود امیرالمؤمنین است. درباره سند روایات و مقایسه آنها آیت الله خویی بیانی نظیر صاحب الذریعه دارد که پیش از این گفته شد (همین مقاله).

۲۱. محمد تقی شوشتری در کتاب قاموس الرجال، سلیم بن قیس را با کلام شیخ طوسی که او از اصحاب ائمه علیهم السلام است، یاد کرده است در حالی که در ادامه می‌گوید: "ثم العامری الکوفی، صاحب امیرالمؤمنین علیه السلام و فی اصحاب الباقر علیه السلام" و پس از آن اقوال سایر متقدمان همچون کشی،

نعمانی، علامه حلی و ابن ندیم و مجلسی را در تأیید شخصیت سلیم و مختصر سرگذشت او با ابان و ابان و عمر بن اذینه را ذکر کرده و پس از آن گفتار ابن غضائری را آورده و آنها را نقد کرده است و در نهایت، معتقد است که وجود یک یا دو حدیث در نسخه در دست ما که غلط داشته باشد، ملاک رد کردن کتاب نیست در حالی که کلینی (متوفای ۳۲۹)، صدوق (م ۳۸۱) و شیخ طوسی (م ۴۶۰) از او حدیث نقل کرده‌اند و نظیر روایت آن که ائمه را سیزده نامیده در کتاب کافی نیز آمده است که طعن وارد از سوء تعبیر (فی خبر عن النبی صلی الله وعلیه وآله وسلم: انی و اثنی عشر من ولدی و أنت یا علی زراً الارض... فاذا ذهب الاثناعشر من ولدی ساخت الأرض بأهلها) کلینی، ج ۱، ص ۵۳۴ که در برخی نقلها «أحد عشر» است؛ نظیر این می‌تواند در کتاب سلیم یا نسخه‌های آن رخ داده باشد. ممکن است نسخه یا نسخه‌هایی توسطه زیدیه نسخه برداری شده و اثنا عشر، ثلاثه عشر ذکر شده که زید بن علی را هم در همین زمره به حساب آورده است (شوشتری، ج ۵، ص ۲۲۷ - ۲۳۹).

۲۲. ابوطالب تجلیل تبریزی نیز در کتاب معجم الثقات، سلیم بن قیس را در ذیل «الموثقون بالخصوص» با بیان صاحب امیرالمؤمنین علیه‌السلام یاد کرده و او را عدل دانسته و کلام شیخ طوسی (رجال صفحه ۹۱) و علامه حلی (خلاصة الاقوال، ص ۸۳) و روایت کشی (رجال، ص ۹۶) را دلیل بر صحت کتاب سلیم دانسته است و سلیم را در طبقه دوم (تابعی رسول الله صلی الله وعلیه وآله وسلم) شناسایی کرده است (تجلیل تبریزی، معجم الثقات و ترتیب الطبقات، ص ۶۰).

۲۳. زرکلی (متولد ۱۳۱۰ ق) نیز سلیم را در کتاب «الاعلام» نام برده، می‌نویسد: سلیم بن قیس الهلالی العامری الکوفی: از اولین مصنفین در اسلام که از اصحاب امام علی بن ابی طالب بود و در کوفه زندگی می‌کرد تا اینکه حجاج ثقفی وارد عراق شد و دنبال او می‌گشت. پس سلیم به نوبندگان از بلاد فارس گریخت و به خانه ابان بن ابی عیاش فیروز روی آورد و ابان به او

پناه داد. در خانه ابان از دنیا رفت. دارای کتاب السقیفه بود که به نام کتاب سلیم بن قیس الکوفی به چاپ رسید. این کتاب از اصولی است که شیعه به آن مراجعه و اعتماد کرده است. قال جعفر الصادق: من لم یکن عنده کتاب سلیم بن قیس، فلیس عنده من أمرنا شیء، و هو أبجد الشیعه (زرکلی، ج ۳، ص ۱۱۹).

۳- راویان سلیم بن قیس

وجود راوی یا راویان یک فرد، عامل دیگری در شناخت موجودیت و شخصیت آن فرد است. دقت در منابع حدیثی نشان می‌دهد که افرادی از سلیم بن قیس روایت کرده‌اند که عبارتند از:

۱. ابان بن ابی عیاش (الکافی، جزء ۱، کتاب الحجته، باب ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم، حدیث ۴) روایت کرده است. شیخ صدوق از سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است (الفقیه، ج ۴، باب رسم الوصیة، ص ۱۸۹، ح ۵۴۳۳). روایت ابان از سلیم در کتاب التهذیب، سند [می‌دانیم که صدوق هرگاه از ائمه بدون واسطه یا با یک واسطه در کتاب «من لا یحضره الفقیه» روایت می‌کند، نقل او - به گواه خودش که میان خدا و خودش حجت قرار داده - با اطمینان است] آن بدین صورت است: علی بن ابراهیم عن حماد بن عیسی عن عمر بن اذینه عن ابان عن سلیم بن قیس الهلالی (ج ۶، باب المکاسب، ص ۳۲۸). محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از عمر بن اذینه از ابان بن ابی عیاش از سلیم (کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم، باب استعمال العلم).

علی بن ابراهیم عن ایبه عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر یمانی عن ابان بن ابی عیاش عن سلیم (الکافی، ج ۲، باب اختلاف الحدیث) و (الکافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب دعائم الکفر و شعبه، ص ۳۹۱ و ج ۲، ص ۴۱۴ باب اذنی ما یکون العبد مؤمنا).

۲. ابراهیم بن عمر یمانی که سند روایت او چنین است: علی بن ابراهیم عن ایبه عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر یمانی عن سلیم بن قیس الهلالی. (الکافی، ج ۱، کتاب الحجّة، باب فی ان الائمه شهداء الله عز وجل علی خلقه؛ الکافی، الروضة، ص ۲۸۰ و ۳۳۸ حدیث اسلام علی (ع)).
۳. ابراهیم بن عثمان نیز از سلیم روایت کرده است. سند آن چنین است: علی بن ابراهیم عن ایبه عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عثمان عن سلیم بن قیس (الکافی، ج ۱، ص ۹۴؛ ج ۸، ص ۵۸ خطبة لأمر المؤمنین).

۴- سندهای روایات

ثقة الاسلام کلینی نزدیک ۱۲ حدیث در کتاب «الکافی» از سلیم بن قیس هلالی به چند طریق نقل کرده است که قسمتی از اسناد چنین است: محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از حماد بن عیسی از عمر بن اذینه از ابان بن ابی عیاش (ج ۱، ص ۴۴ باب استعمال العلم).

علی بن ابراهیم عن ایبه عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الیمانی عن سلیم بن قیس الهلالی عن امیر المؤمنین (ج ۱، ص ۱۹۱ باب فی ان الائمه شهداء الله).

علی بن ابراهیم عن ایبه عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الیمانی عن ابان بن ابی عیاش (ج ۱، ص ۵۳۹ باب الفیء و الانفصال). وعده من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن عثمان بن عیسی عن عمر بن اذینه عن ابان بن ابی عیاش... (ج ۲، ص ۳۲۳ باب البداء).

علی بن ابراهیم عن ایبه عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر یمانی عن سلیم بن قیس الهلالی قال سمعت سلمان فارسی... (ج ۸ الروضة، ۳۳۸ - ۳۴۳).

همان گونه که ملاحظه می‌شود، طریق کلینی به ابان بیش از یک طریق و به سلیم نیز بیش از طریق ابان بن ابی عیاش است. صاحب الوسایل و مستدرک الوسایل نیز نظیر این سندها را آورده‌اند (وسایل، ج ۲۷، ص ۱۷۸، باب عدم جواز استنباط الاحکام) و اینکه مثلاً در طریق ابراهیم بن عمر یمانی به سلیم، نام ابان ابن ابی عیاش از قلم

افتاده، چیزی نگفته‌اند؛ بلکه چنین برداشت می‌شود که هم از طریق ابان نقل کرده، هم بدون وجود ابان و هر دو طریق وجود داشته است .

شیخ صدوق در کتاب «خصال» قریب ۶ حدیث از سلیم بن قیس از طریق ابان نقل کرده که سند سه حدیث،... از حماد بن عیسی از عمر بن اذینه از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس است (خصال، ج ۱، ص ۴۱ و ۵۱ و ۱۳۹). سند یک حدیث،... حماد بن عیسی از ابراهیم بن عمر یمانی و عمر بن اذینه از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس هلالی از امیرالمؤمنین (ع) است (خصال، ج ۱، ص ۲۵۵). سند حدیث دیگر:... حماد بن عیسی از عبدالله بن مسکان از ابان بن تغلب از سلیم بن قیس الهلالی از سلمان فارسی است (خصال، ج ۲، ص ۴۷۵) و سند حدیث ششم که به دو طریق نقل کرده، بدین صورت است:... از احمد بن محمد بن عیسی از محمد بن ابی عمیر از عمر بن اذینه از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس الهلالی از عبدالله بن جعفر طیار. سند دوم:... حماد بن عیسی از ابراهیم بن عمر یمانی از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس الهلالی از عبدالله بن جعفر طیار (خصال، ج ۲، ص ۴۷۷).

وجود این سندها در کتاب صدوق نشانه اعتماد او به این سندهاست. اسناد شیخ صدوق به ابان بن ابی عیاش فقط یک بار نیست تا بگوییم به سهو رخ داده است؛ چنانکه مشاهده می‌شود، طریق صدوق به سلیم، طریق دیگری غیر از طریق عمر بن اذینه از ابان بن ابی عیاش نیز هست .

شیخ صدوق، حدیثی از سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین (ع) در باب نوادر المعانی نقل کرده که قسمتی از سند آن چنین است:... از محمد بن أسلم از حسن بن محمد هاشمی از عمر بن اذینه از ابان بن ابی عیاش (معانی الاخبار، ص ۳۹۴) و در کتاب الفقیه می‌نویسد: و روی عن سلیم بن قیس الهلالی قال: شهدت وصیة علی بن ابی طالب (ع)... (ج ۴، ص ۱۸۹). این نقلها نشانه اعتماد شیخ صدوق به حدیثهای نقل شده است که میان خود و خدایش حجت است .

شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام، سه حدیث از سلیم بن قیس هلالی نقل کرده که اسناد آن چنین است: علی بن الحسن بن فضال عن محمد بن اسماعیل زعفرانی عن حماد بن عیسی عن عمر بن اذینه عن ابان بن ابی عیاش عن سلیم بن قیس

الهلالی عن امیرالمؤمنین (التهذیب، ج ۴، ص ۱۲۶ باب تمییز اهل الخمس و مستحق).
سند حدیث دیگر شیخ چنین است: عنه عن حماد بن عیسی عن عمر بن اذینه عن ابان
عن سلیم بن قیس الهلالی (التهذیب، ج ۶، ص ۳۲۸ باب المكاسب). سند حدیث سوم
بدین صورت است: عنه عن حماد بن عیسی عن عمرو بن شمر عن جابر عن اَبی جعفر
علیه السلام و ابراهیم بن عمر عن ابان رفعه الی سلیم بن قیس الهلالی (التهذیب، ج ۹،
ص ۱۷۶، باب الوصیة و وجوبها).

شیخ مفید نیز روایتی از ابان بن ابی عیاش از سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین (ع)
درباره خمس نقل کرده است (المقنعه، ص ۲۷۷، باب تمییز اهل الخمس و المستحقه).

شیخ حر در کتاب وسائل الشیعه بیش از ۱۸ حدیث از سلیم نقل کرده است (حر
عاملی، ج ۱، ص ۶۰، باب وجوب الاخلائی فی العبادة، و ص ۴۵۷ باب عدم جواز المسح
علی الخفین؛ ج ۲، ص ۴۰۲ باب استحباب احتساب المرض و الصبر، و ص ۴۳۸، باب
کراهة طول الأمل؛ ج ۳، ص ۸۳ باب جواز الزیادة فی صلاة الجنابة؛ ج ۷، ص ۵۴ باب
استحباب الاقبال بالقلب؛ ج ۸، ص ۴۶ باب عدم جواز الجماعة فی الصلاة؛ ج ۹،
ص ۴۵۱ باب استحباب الاستفتاء عن الناس، و ص ۵۱۱ باب انه یقسم ستة اقسام ثلاثة،
و ص ۵۱۲ همان باب؛ ج ۱۵، ص ۲۷۳ باب استحباب التواضع، و ص ۳۴۱، باب جملة
مما ینبغی تركه من...؛ ج ۱۶، ص ۳۵ باب تحريم البداء و عدم المبالة؛ ج ۱۷، ص ۳۶
باب وجوب الزهد فی الحرام؛ ج ۲۷، ص ۴۱ باب عدم جواز القضاء الحکم، و ص ۱۰۱
باب وجوب العمل باحدیث، و ص ۱۲۹ باب عدم جواز تقلید غیر معصوم، و ص ۱۶۶
باب وجوب التوقف و الاحتیاط، و ص ۱۷۸ باب عدم جواز استنباط الاحکام).

صاحب مستدرک الوسائل نیز چهار حدیث از سلیم نقل کرده است (نوری، ج ۱،
ص ۷۰ و ۷۹ و ۱۵۱ و ۴۴۸).

کتابهای حدیثی دیگری نیز از سلیم روایت نقل کرده اند:

عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۲؛ الغیبة طوسی، ص ۱۳۸ و ۱۹۳؛ لغیبة نعمانی، ص ۷۴
و ۷۵ و ۸۱ و ۸۲ و ۹۵ و ۱۰۱؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۵۰۸؛ بحار الانوار، تفسیر عیاشی،
تفسیر فرات، الخصال، شواهد التنزیل، معانی الاخبار و...

۵- نتیجه

طبق آنچه گفته شد، سلیم بن قیس صحابی امیرالمؤمنین و راوی امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر علیهم السلام بوده است. احادیث نقل شده در کتابهای حدیثی و کتابهای رجالی حاکی از وجود چنین شخصیتی است که توسط غالب کتابهای رجالی بویژه متأخران - که در تعدیل یا توثیق افراد از متقدمان دقیقتر بوده‌اند - توثیق شده است و علاوه بر ائمه از ابوذر، سلمان و عبدالله بن جعفر طیار و مقداد روایت کرده است. بنابراین، با وجود نام وی در این کتابها و کتابهای تفسیری شیعه نمی‌توان منکر وجود شخصیتی با این نام شد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. آقا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دار الاضواء، بیروت، بی تا.
۳. ابن داود حلّی، حسن بن علی، رجال، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی السروی، معالم العلماء.
۵. - مازندرانی؛ المناقب؛ ۴ج، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹.
۶. ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ کتاب الفهرست؛ ترجمه و تحقیق محمد رضا تجدد، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ش.
۷. ابو علی حائری، محمد بن اسماعیل مازندرانی؛ منتهی المقال فی احوال الرجال؛ تحقیق مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۷ج، بیروت، ۱۴۱۹.
۸. اردبیلی غروی حائری، محمد بن علی؛ جامع الرواة، ۲ج، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۳-۱۹۸۳م.
۹. امین، سید محسن؛ اعیان الشیعه؛ تحقیق حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق - ۱۹۸۳ م.

۱۰. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ چاپ سوم، ۴ ج، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق - ۱۹۸۳م .
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، رجال، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق .
۱۲. تجلیل تبریزی، ابوطالب؛ معجم الثقات و ترتیب الطبقات، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق .
۱۳. تستری، محمد تقی؛ قاموس الرجال؛ مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۴ق .
۱۴. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱.
۱۵. حر عاملی، وسایل الشیعه الی تحصیل معرفت الشریعة؛ مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹.
۱۶. حسینی تفرشی، سید مصطفی بن حسین، نقد الرجال؛ تحقیق مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۹ه - ۱۹۹۹م.
۱۷. خویی (موسوی خویی)، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث، ۲۳، مدینه العلم، قم، بی تا.
۱۸. زرکلی، خیرالدین؛ الأعلام، قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۶ق - ۱۹۸۶م .
۱۹. سلیم بن قیس الهلالی، أبو صادق؛ کتاب سلیم بن قیس الهلالی؛ تحقیق انصاری زنجانی خوئینی، محمد باقر؛ منشورات دلیل ما، قم، ۱۳۸۱ش .
۲۰. شرح نهج البلاغه؛ عبد الحمید بن ابی الحدید؛ کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴.
۲۱. صدر، سید حسن؛ تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، مؤسسه النعمان للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۴۱ - ۱۹۹۱ .
۲۲. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه؛ تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه، چاپ دوم .
۲۳. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه، قم، ۱۴۰۳ .

۲۴. صدوق، محمد بن على، معانى الاخبار، تصحيح غفارى، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱ ش.
۲۵. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج؛ نشر مرتضى، مشهد، ۱۴۰۳.
۲۶. طوسى، محمد بن حسن، تهذيب الاحكام (التهذيب)، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
۲۷. طوسى، محمد بن حسن، رجال؛ تحقيق جواد قیومى اصفهانى، مؤسسه النشر اسلامى جامعه المدرسين، قم.
۲۸. طوسى، محمد بن حسن، الفهرست؛ مكتبة مرتضويه، نجف، بی تا.
۲۹. طوسى، محمد بن حسن، الغيبة؛ مؤسسه معارف اسلامى، قم، ۱۴۱۱.
۳۰. طوسى، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال المعروف برجال الكشى؛ تحقيق مهدى رجائى، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۴.
۳۱. علامه حلى، محمد بن حسن، الخلاصة الاقوال (رجال العلامة)؛ دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱.
۳۲. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير، ۲ ج، چاپخانه علميه، تهران، ۱۳۸۰.
۳۳. فرات بن ابراهيم كوفى، تفسير فرات، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰.
۳۴. فروخ صفار، محمد بن حسن؛ بصائر الدرجات، كتابخانه آية الله مرعشى، قم، ۱۴۰۴.
۳۵. فيض كاشانى، محمد بن مرتضى (ملا محسن)؛ الصافى فى تفسير القرآن؛ چاپ چهارم، ۲ ج، كتابفروشى اسلامى، تهران، ۱۳۹۳ ق.
۳۶. كلينى، محمد بن يعقوب؛ الكافى؛ على اكبر غفارى، چاپ سوم، دار الكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۶۷.
۳۷. كلينى، محمد بن يعقوب، الروضة من الكافى؛ تصحيح بهبودى، غفارى، چاپ دوم، كتابفروشى اسلاميه، تهران، ۱۳۹۷ ق.
۳۸. مازندرانى، خواجه، محمد اسماعيل بن الحسين، الفوائد الرجاليه؛ تحقيق سيد مهدى رجائى، ۱۴۱۳ ق - ۱۳۷۲ ش.
۳۹. مامقانى، عبدالله؛ تنقيح المقال فى علم الرجال، ۳ ج، نجف، ۱۳۵۲.

مجله پژوهشهای اسلامی / ۱۸۷

۴۰. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، مؤسسة الوفاء، بيروت، ۱۱۰ ج، چاپ دوم، ۱۴۰۳.
۴۱. مفید، محمد بن نعمان؛ تصحيح الاعتقاد، كنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳؛ مقعه.
۴۲. نجاشی، احمد بن علی بن العباس؛ رجال نجاشی = فهرست اسماء مصنفی الشیعه، مكتبة الداوری، قم، بی تا.
۴۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ الغيبة، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷.
۴۴. نوری؛ مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۸.
۴۵. فصلنامه مطالعات اسلامی، ش ۶۰، سال ۱۳۸۲.